

اصول و پایه‌های معماری داخلی

فرم/فضا

عناصر و ترکیب بندی فضای داخلی

Elements & Composition of Interior Space

مترجمان: محمدرضا امینی

کارشناسی ارشد معماری داخلی از دانشگاه تهران، هنرهای زیبا

مجید ادب

کارشناسی ارشد معماری داخلی از دانشگاه تهران، هنرهای زیبا

در این بخش می‌خوانید:

صفحه/مقیاس/تناسبات/چشم انداز/حرکت/انتقال/دسترسی

این بخش به معرفی عناصر و واژگان تعریف‌کننده آن‌ها می‌پردازد؛ اینها کلماتی کلیدی برای خلق و فهم معماری داخلی هستند. این عناصر می‌توانند برای بیان شخصیت و کیفیت فضای داخلی به کار رود، استفاده از آن‌ها به صورت منفرد یا ترکیبی، جو فضا را بیان کرده و به آن هویت می‌بخشد.

صفحه

صفحه، پایه‌ای ترین عنصر معماری داخلی است. هر فرم دو بعدی که به عنوان کف، دیوار و سقف استفاده شود؛ و فضا را تعریف کند، صفحه نامیده می‌شود. عناصر صفحه‌ای کوچکتر، درها، کف پله‌ها و چیزهایی مانند طاقچه‌ها و اثاثیه می‌باشند. همچنین صفحه وظیفه‌ی محصور کردن و پیمون کردن فضا را نیز دارد. صفحه، حامل مصالح، بافت و کیفیت رنگی مورد تقاضا می‌شود. علاوه بر این با جذب یا دفع صوت یا رنگ، باعث به وجود آمدن کیفیت‌های متفاوت آکوستیکی و نوری می‌شود.



حذف یک صفحه، یا ایجاد بازشو در یکی از آن‌ها، می‌تواند باعث ایجاد حس توجه مستقیم به قسمت دیگر سایت یا فضای داخلی شود. به علاوه حرکت فیزیکی را ممکن می‌کند و می‌تواند به یک مسیر نوری، هوایی یا صوتی تبدیل شود.

واقعیت دنیای ساخت‌وساز، صفحات دارای ضخامتند. اینکه این ضخامت چه اندازه‌ای دیده شود (یا به دلایل زیبایی شناسانه، چقدر بر روی آن تأکید شود)، موضوعی است که طراح می‌بایست راجع به آن تصمیم بگیرد. در معماری سنتی [منظور معماری کلاسیک غرب می‌باشد] به کارگیری مصالح حجیم این امر را تضمین می‌کرد، کاملاً مرئی بودند، لبه‌های صفحات دارای ضخامت ذاتی بودند؛ اما ظهور مصالح و فناوری‌های جدید امکان خودنمایی سازه‌های نازک‌تر را به وجود آورد، و این نازکی، اغلب به عنوان بیان خاص مدرنیته به کار می‌رود. ساختمانی که به بهترین نحو بیانگر استفاده از ساختارهای صفحه‌ای می‌باشد خانه‌ی شرودر (Schröder House)، طراحی شده توسط گریت ریتولد (Gerrit Rietveld) می‌باشد. درون و بیرون این خانه همچون سلسله‌ای از عناصر صفحه‌ای نازک که مستقلاً در فضا معلق باشند به نظر می‌آیند.



تصویر شماره ۱: توماس کوک، آکولادیا (Thomas Cook, Accoladia)، مکان: پیتربورو، انگلستان (Peterborough, UK)، سال: ۲۰۰۸، طراح: Bluebottle.

در این محوطه‌ی نشیمن که توسط توماس کوک هالیدی (Thomas Cook Holidays) طراحی شده، از عناصر صفحه‌ای برای تعریف فضا استفاده شده است. این امر با جدا کردن صفحات‌ها از یکدیگر محقق می‌شود. بازشوها ما را به سمت چیزی که در پشت این صفحات پنهان شده است، راهنمایی می‌کنند. عکس توسط Frans Burrows، تشکر از شرکت طراحی Bluebottle برای این عکس (تصویر شماره ۱).

قیاس

واژه "مقیاس" برای طراحان، دو معنا دارد:

معنای اول مربوط به روشی برای ترسیم ساختمان‌ها است؛ که اندازه‌ی واقعی آن‌ها را برای اینکه در کاغذمان جا شود کوچکتر می‌کنیم. برای این کار، ترسیمات را "با مقیاس" انجام می‌دهیم. این بدین معناست که تمام قسمت‌های طرح را با یک نسبت معین انتخابی، کوچک می‌کنیم. اگر ما یک چیز خیلی بزرگ مثل سایت پلان را می‌کشیم، ممکن است از مقیاس ۱:۲۰۰ یا ۱:۵۰۰ استفاده کنیم. یعنی اینکه هر عنصری که ترسیم شده یک دویستم، یا یک پانصدم اندازه‌ی همان عنصر، در واقعیت می‌باشد. برای ترسیم چیزهای کوچکتر، مثل جزئیات کابینت‌ها، می‌توانیم از مقیاس‌هایی مثل ۱:۵ یا حتی مقیاس واقعی استفاده کنیم. معمولاً مقیاس‌ها برای ترسیم و طراحی چیدمان فضایی در پلان بین دو محدوده‌ی ذکر شده و در مقیاس ۱:۵۰ یا ۱:۱۰۰ می‌باشد.

معنای دیگر مقیاس نسبت اندازه‌ی ظاهری یک چیز به چیز دیگر است. از آنجایی که معماران داخلی معمولاً درگیر آفریدن فضا برای فعالیت‌های انسانی هستند، ما نیز به جای «چیز دیگر» از «مقیاس انسانی» استفاده می‌کنیم. اگر فضایی را راحت و متناسب با ابعاد و شرایط فیزیکی انسان تشخیص دهیم، اصطلاحاً می‌گوییم: این مقیاس انسانی دارد.

این غرفه‌ی نمایشگاهی بیضی شکل در میان فضای خالی وسیعی نصب شده است. مانند ساختمانی درون ساختمان دیگر، توانسته است فرم و عملکرد خود را به صورت مستقل از محیط اطرافش، به دست بیاورد. عکس توسط Ian McKinnel. تشکر از شرکت طراحی Virgile and Stone برای این عکس

(تصویر شماره ۲).

Arne Jacobsen (دانمارک)

۱۹۰۲-۱۹۷۱

پروژه‌های بسیار مشهور او:

بانک ملی دانمارک

هتل سلطنتی SAS، کپنهاگ



تصویر شماره ۲: Patek Philippe، غرغه نمایشگاهی، مکان: بازل، سوئیس، سال: ۱۹۹۸، طراح: Virgile and Stone



تصویر شماره ۳: مرکز خرید مبله‌مان Villa Arena، مکان: آمستردام، هلند، سال: ۲۰۰۱، طراح: Virgile and Stone

در دانمارک متولد شد. وی در هر حوزه‌ای از معماری حضور درخشانی از خود نشان داد: از معماری منظر گرفته تا سازه. حتی طراحی دتایل دستگیره‌ی در و قاشق و چنگال نشان از علاقه و توجه شدید وی به طراحی جزئیات، صنایع دستی و تناسب است. از فعالیت‌های وی به عنوان طراح، از مجموعه‌ی مبله‌مان تخته چند لایه و استیل Egg and Swan و ظروف سفره‌ی Cylinda Line می‌توان نام برد. تمام این کارها، ایده‌های مدرنیستی عقل‌گرا و ساده را با عشق به طبیعت‌گرایی که ریشه در شمال اروپا دارد در هم آمیخته است. رویکرد ترکیبی وی در طراحی و معماری در ساختمان SAS در کپنهاگ، و کالج St Catherine آکسفورد، به خوبی قابل مشاهده است. وی در مدرسه‌ی معماری آکادمی سلطنتی هنرهای زیبای دانمارک تحصیل کرده و در سال‌های ۱۹۵۶-۶۵ در این کالج کرسی استادی داشته است.

<www.arne-jacobsen.com>

فضای آن‌ریوم زیری به نور طبیعی امکان می‌دهد تا بعد از فیلتر شدن، به فضاهای حرکتی این مجموعه‌ی بزرگ فروشگاه‌ی برسد. عکس توسط Jannes Linders، تشکر از شرکت طراحی Virgile and Stone برای این

عکس (تصویر شماره ۳).





تصویر شماره ۴: فروشگاه Lotte دید کلی؛ مکان: سئول، کره جنوبی؛ سال: ۲۰۰۱؛ طراح: Universal Design Studio

هنری و ساختمان‌ها را از نظر بصری به درجه‌ی کمال برساند. دامنه‌ی این تلاش‌ها از ریاضیات محض و آن چیزی که با دنباله‌ی فیبوناتچی و تناسب‌های طلایی می‌شناسیم - که نظام تناسب‌ها به کار رفته در یونان باستان نیز هست - گرفته، تا طرح پیشنهادی لئوناردو داوینچی که تناسب‌های بدن انسان را به عنوان پایه و اساس طراحی انتخاب کرده بود، گسترده است. در سال ۱۹۴۷ معمار بزرگ سوئیسی، لوکوربوزیه (Le Corbusier) نظامی را پیشنهاد داد که توسط خود وی مدولار (The Modulor) نام گرفت. پیشنهاد لوکوربوزیه، به طور هم‌زمان، نظام وابسته به تناسب‌های انسانی و نظام ریاضیاتی را در خود داشت. اطمینان حاصل کردن از اینکه تا چه اندازه این سیستم‌ها می‌تواند در فرایند خلاقانه‌ی معماری به کار آید و تا چه حد نتیجه‌ی تحلیل‌های حاصل شده از واقعیت است، کاری مشکل است؛ تحلیل‌هایی که تسخیرگر از طرح‌هایی مانند معابد یونانی و سرستون‌ها و سبک‌هایشان.

این اطلاعات برای خلق فضا، فرایندها و فرآورده‌هایی که با موضوع تناسب‌ها و حرکات بدن انسان در ارتباطند، مهم و با ارزش هستند.

تناسبات این فضا بر روی وسعت آن تأکید دارد، تا ارتفاع. صفحات شیشه‌ی طرح‌دار، آن را به صورت افقی قطع می‌کنند تا آن را به صورت تعدادی از اعضای دارای حوزه‌ی اشتراک بشکنند. توجه داشته باشید که این عناصر ارتفاعشان به اندازه‌ی ارتفاع خود فضا است. تشکر از Universal Design Studio برای این عکس (تصویر شماره ۴).

تناسبات

در حالی که مقیاس، اندازه‌ی عناصر را در مقایسه با یک ابعاد استاندارد توصیف می‌کند، تناسب‌ها مربوط به روابط عناصر طراحی شده به دیگری، یا به کل، می‌باشد. چشم انسان کیفیت فضا را با تناسب‌ها آن در رابطه با اندازه‌اش درک می‌کند. فضاهای با سقف کوتاه و پلان وسیع حس خوردن و افسردگی به انسان می‌دهند. در حالی که فضایی کوچکتر با همان ارتفاع سقف ممکن است کاملاً راحت باشد. فضاهای با پوشش خیلی بلند که معمولاً در کاتدرال‌ها و فضاهای عمومی بزرگ قابل جستجو است می‌تواند حس ترس آمیخته با احترام و رفعت را در انسان به وجود آورد. تعامل بین بزرگی سطح پلان با ارتفاع موضوع مهمی است. نه فقط به خاطر تأثیرات فضایی؛ بلکه به علت تأثیر به‌سزایی که در ورود نور طبیعی به داخل فضا دارد. معمولاً این مشکل وجود دارد که ارتفاع عملکردی فضا به اندازه‌ی نیست که با نور روز به خوبی روشن شود. این نکته به‌ویژه در فضاهای با پلان گسترده و بزرگ که فاصله‌ی کف تا سقف آن‌ها ناچیز باشد، قابل مشاهده است. تناسب‌ها ذکر شده نفوذ نور طبیعی را به داخل فضا محدود نموده و در نتیجه ما را ناگزیر به استفاده از نور مصنوعی شبانه‌روزی می‌نماید، که تبعات مالی و اقتصادی در بر خواهد داشت.

قدر و اهمیت مقیاس و تناسب‌ها از طرف... مورد توجه قرار گرفته است و موضوع تحقیقات و نظریه‌پردازی‌های معماران، هنرمندان و متفکران واقع شده است. این گروه در پی به دست آوردن یک فرمول کلی و جهانی بوده‌اند، که بتواند دستاوردهای

آدولف لوس (اتریش)

۱۸۷۰-۱۹۳۳

پروژه های بسیار مشهور او:

خانه Steiner، وین، اتریش

خانه Müller، پراگ، جمهوری چک

Karntner Bar، وین، اتریش

آدولف لوس اغلب با عنوان دار طراحی معماری مدرنیستی می باشد. شاید بیشتر با ایده هایش شناخته شود. پروژه های معماری اش؛ چراکه از اولین کسانی بود که در برابر استفاده مفرط از تزئینات ایستاد و به جای آن روش ساختی را بر مبنای دلیل و عملکرد صرف تدوین نمود. نوشته ها، عقاید و مبارزه وی برای آزادی از هنرهای تزئینی که در سال های ۱۸۰۰ مرسوم بود راه را برای بسیاری از معماران و طراحان مدرنیست قرن بیستم باز کرد.

تناسبات طلایی (Golden section): تقسیم یک خط با نسبت ۱:۸:۱۳ شریطی را به وجود می آورد که رابطه ی قسمت بزرگتر نسبت به قسمت کوچک آن عیناً همانند نسبت قسمت بزرگتر به کل می باشد. این نسبت توسط قدما برای به وجود آوردن تناسبات زیبا استفاده می شده است. این تناسبات، بسیار به چیزی که از دنباله ی فیبوناتچی استخراج می شود شبیه است. اشکالی که با تناسبات طلایی به دست می آیند هزاران سال است که توسط بشر استفاده می شود. تاریخچه ی استفاده از آن ممکن است به اهرام مصر، معابد یونان و یا رنسانس باز گردد. امروزه نیز اساس و پایه ی اغلب هنرها، معماری و طراحی قرار می گیرد.

دنباله ی فیبوناتچی (Fibonacci Sequence):

یک سری اعداد است که هر کدام از جمع دو عدد قبل از خودش به دست می آید. این دنباله، توسط فیبوناتچی (Leonardo of Pisa) در قرون وسطی کشف شد و تاکنون به عنوان مبنای نظام تناسبات به کار می رود.

تناسبات به دست آمده از این دنباله بسیار چشم نواز بوده و معمولاً در طبیعت نیز یافت می شود. به عنوان یک دنباله ی دارای رشد، هر کدام از اعداد فیبوناتچی را که بر عدد قبلی تقسیم نماییم به عدد ۱,۶۱۸ می رسیم، که همان تناسبات طلایی می باشد.

مدولار (The Modulor): ابداع و معرفی آن توسط لوکوربوزیه بوده است. مدولار موضوع کتاب وی که در سال ۱۹۴۸ با عنوان Le Modulor منتشر شد می باشد؛ که سعی در ایجاد یک مقیاس متناسب و هماهنگ برای استفاده در معماری و مهندسی داشته است. مدولار به طور فراگیر در حوزه های مختلف طراحی صنعتی به کار رفته است. این سیستم از تناسبات و اندازه های اصلی بدن انسان برای پیوند با تناسبات طلایی، دنباله ی فیبوناتچی و نسبتی از فواصل فضایی استفاده می کند تا یک نظام اندازه گیری برای استفاده در طراحی ساختمان ها و فضاهای داخلی در اختیار طراحان و معماران قرار دهد.

چارلز ادوارد ژانت لوکوربوزیه (سوئیس)

۱۸۸۷-۱۹۶۵

پروژه های بسیار مشهور او:

ویلا ساوا، پواسی، فرانسه

می توان گفت تأثیرگذارترین چهره در معماری مدرن بوده است. لوکوربوزیه معماری عملکردگرای افراطی را در ساختمان ها و برنامه ریزی هایش توسعه داد که او را به چهره ای شناخته شده و قابل احترام در جنبش معماری مدرن بدل نمود. کارهای اولیه ی وی به شدت تحت تأثیر طبیعت بود، اما کارهای اخیرش عملکردگرای شدید، صنعتی، با رنگ های شاخص، دارای فرم های مجسمه وار و مصالح درشت و خشن می باشد. اگرچه کارهای حرفه ای لوکوربوزیه به شدت مورد نقد عمومی و بین المللی قرار می گرفت، اما او کسی بود که بسیاری از طرح های برنامه ریزی شهری را با تأکید بر روی سواره، عابریاده و حوزه های عملکردی به انجام رسانید. پروژه ی وی در Firminy فرانسه به تازگی به پایان رسیده است.

چشم انداز

فرم فضا، به تنهایی توسط نیازمندی های فضایی شخصی تعریف نمی شود. چشم انداز، کلمه ای است که از فرهنگ لغت معماران منظر به عاریت گرفته شده است؛ و عمدتاً به ابزارهایی اطلاق می شود که برای باز کردن دید از داخل به یک منظره ی بیرونی استفاده می شوند. قواعد قابل قبول می مانند و در ساختمان ها با هر ابعاد و نوعی قابل مشاهده اند. به وجود آوردن القای خاصیت فضایی با استفاده از عامل چشم انداز، یکی از مهم ترین مسئولیت هایی است که طراح می تواند در یک محیط شهری پرجمعیت برعهده داشته باشد. بدون شک می بایست این موضوع مورد بحث و بررسی قرار گیرد. اغلب چشم اندازها می توانند به عنوان قسمتی از دنیای خصوصی داخلی واقع شوند (خانه ی آدولف لوس مثال خوبی از این نوع برخورد است). یا اینکه در محدوده ی اجتماعی یا نیمه اجتماعی یک فرصت یا محرک بصری را در اختیار قرار دهند (مانند ایستگاه های راه آهن یا مراکز خرید). در هر دو حالت، چشم انداز در بیننده حسی از امکان به وجود می آورد: امکانی که ممکن است همراه کننده یا درخور تماشا باشد، اما میل به وسعت و تنوع بصری را ارضا می کند.

موضوع دیگری که با چشم انداز در ارتباط است، علاقه ی به وجود آمده در سال های اخیر در مورد ارتباط درون و بیرون می باشد. به لحاظ تاریخی ساختمان ها و زمینه هایشان اغلب ارتباطات دقیق و سنجیده ای دارند، اما یکی از جاهایی که ساختمان ها می توانند مورد دقت قرار گیرند این است که در ارتباط با باغ، ساختمان پشت صحنه ی باغ واقع شده باشد یا برعکس؟ خانه هایی که توسط ادوین لوتینز طراحی شده با باغ های طراحی شده توسط گرتروید ژکیل نمونه ای از این رویکرد را در اختیار قرار می دهد. اخیراً این ایده با آوردن باغ به داخل خانه و قرار دادن خانه در باغ گسترش یافته است؛ این مهم از طریق محو کردن مرز



که در برکه آرمیده است ناگهان بیرون می‌جهد؛ یا یک آتشفشان خاموش یکباره در میان یک جنگل فوران می‌کند. حقه‌ی اصلی کشف کردن آن و استفاده‌ی به جا و بدون کم و کاست است.

ریچارد مه‌یر (ایالات متحده‌ی آمریکا)
۱۹۳۴

پروژه‌های بسیار مشهور او:

موزه‌ی هنرهای تزئینی، فرانکفورت، آلمان
موزه‌ی هنرهای معاصر بارسلون، بارسلون، اسپانیا
ریچارد مه‌یر یک سبک ثابت و منحصر به فرد را در طول زندگی حرفه‌ای خود حفظ کرده است. او به خوبی با کارهای نئومدرن و طراحی‌های پیوریستی‌اش برای موزه‌ها و فضاهای مسکونی و اجتماعی شناخته شده است. پروژه‌های مه‌یر در جای‌جای دنیا قابل جستجو است و جایزه‌های بسیاری را از آن خود کرده است. طرح‌هایش به کارهای لوکوربوزیه شباهت دارد که اغلب با سطوح سفید و پانل‌های لعابکاری شده و شیشه ساخته شده باشند. استفاده از شیب‌راه و نرده دستگیره‌های آن نیز عموماً در فضاهای داخلی و طراحی معماری وی قابل مشاهده است. کارهای او در دهه‌های ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و قرن بیست و یکم مورد استقبال عموم مردم قرار گرفته است.

www.richardmeier.com

امتداد شفاف‌ی که در پشت این آشپزخانه به وجود آمده است، ارتباطی را بین ساختمان موجود مفصل‌بندی می‌کند. همچنین طراح را قادر می‌سازد تا در آستانه و مرز بین فضای داخل و خارج به کاوش و مطالعه بپردازد. این ارتباط، همچنین در امتدادپذیری مصالح بیان شده است. عکس توسط Gareth Gardner. تشکر از شرکت طراحی Blacksheep برای این عکس (تصویر شماره‌ی ۴).

فضای ناهارخوری طراحی شده برای این خانه، یک محیط مجزا است که از طریق حقه‌های بصری به فضای مجاور متصل گشته است. این نکته بر روی درک ما از اندازه و حجم این فضا تأثیر می‌گذارد و خود را بزرگتر از چیزی که هست نشان می‌دهد؛ این در حالی است که فضای بسیار اندکی را اشغال می‌کند. عکس توسط Gareth Gardner. تشکر از شرکت طراحی Blacksheep برای این عکس (تصویر شماره‌ی ۵).



تصویر شماره‌ی ۴: خانه‌ی Hampstead، آشپزخانه، مکان: لندن، انگلستان، سال: ۲۰۰۴، طراح: Blacksheep

تمام شدن یکی و خط شروع دیگری اتفاق افتاده است. علاوه بر این با فضای خارجی مانند یک اتاق با ویژگی‌هایی نظیر کف سخت و مبلمان نیمه ثابت برخورد شده است. این گرایش با دیوارهای تاشو و استفاده از سازه‌های شیشه‌ای توصیف شده است. مورد اخیر در قسمت الحاقی خانه براق که توسط گروه معماران ریک ماتر در سال ۱۹۹۲ ساخته شد، از شیشه هم به صورت سازه‌ای و هم پوششی استفاده شده است.

در طول تاریخ طراحان از فرم، تناسب و چشم‌انداز استفاده کرده‌اند تا فضاهایی عملکردی و دلپذیر به وجود بیاورند. اما برای آن‌ها ابزارهای دیگری نیز وجود دارد. یکی از آن‌ها غافلگیری است. فضای ورودی عمومی به تالار ولادیسلاو در قلعه پراگ، یک در معمولی است که مخاطب را به یک فضای کفش‌کن که فرم ناشیانه و اجرای ناقصی دارد هدایت می‌کند که فضای فروش بلیط می‌باشد. در انتهای فضای کفش‌کن یک در بسیار کوچک و معمولی هست که پشت آن کسی که بلیط‌ها را چک می‌کند نشسته است. تا اینجا کار، تجربه‌ای بسیار ساده و معمولی اتفاق افتاده است. بعد از باز کردن در دوم ناگهان حیرت زده می‌شوی. در یک آن جهان به فضا و نور تقسیم می‌شود. تجربه‌ای فراموش‌نشدنی است. بی‌شک این یک حقه است: همان حقه‌ای که در فیلم و تلویزیون به کار می‌رود و می‌بینیم که تمساحی



جابجایی

پیش از این از چشم انداز نام بردیم ، اما معمار داخلی نباید از قابلیت های حظ و بهره ای که توسط حرکت و جابجایی فرد در فضای واقعی حاصل می شود ، چشم پوشی کند. مسیرهای تعبیه شده درون ساختمان ها ممکن است فرم های متفاوت و بسیاری داشته باشد. اما زمانی که هر سه بعد فضایی را به خدمت می گیرد ، جذابیت خارق العاده ای را به نمایش می گذارد. پله ، شیب راه ، پله برقی و آسانسورها هر کدام نقش خاص خود را در جابجا کردن مخاطبان خود در فضا دارند. اما آن ها می توانند به طور همزمان باعث ایجاد حس شوند. پلکان ها ممکن است از سه همان دیگر معمول تر باشد ، ولی فرم جعبه پله ها از لحاظ فیزیکی امکانات زیادی را هم به صورت مجسمه ای در فضا و هم به عنوان وسیله ای برای اتصال نقاط ، فرم ها و مصالح گوناگون در طبقات مختلف در اختیار قرار می دهد.

سیرکولاسیون عمودی و افقی در این فروشگاه مسأله ی کلیدی در فرم و عملکرد موفقیت آمیز برای یک فضای بزرگ به حساب می آید. تشکر از Virgile and Stone برای این عکس (تصویر شماره ی ۶).

تصویر شماره ی ۵: خانه ی Hampstead ، ناهارخوری ، مکان: لندن ، انگلستان ، سال: ۲۰۰۴ ، طراح: Blacksheep



تصویر شماره ی ۶: مرکز خرید مبلمان Villa Arena ، مکان: آمستردام ، هلند ، سال: ۲۰۰۱ ، طراح: Virgile and Stone

غیرمعمول مجدداً تعریف می کند. پروژه های او در اقصی نقاط جهان ساخته می شود و همچنان در حال تغییر و تحول در ساختارها و مرزهای متداول طراحی شهری و معماری است. او کارهای معماری داخلی خود را در جاهای مختلفی مثل هنگ کنگ ، ایتالیا ، اسپانیا ، امریکا ، دانمارک و ژاپن به انجام رسانده است. <www.zaha-hadid.com>

زاها حدید (عراق)

۱۹۵۰

پروژه های بسیار مشهور او:

مرکز هنرهای معاصر Rosenthal ، اوهایو ، ایالات متحده امریکا
ساختمان آتش نشانی Vitra ، Weil am Rhein ، آلمان

زاها حدید اولین زنی است که توانست جایزه ی Pritzker Prize را در سال ۲۰۰۴ از آن خود کند. طرح های او با ترکیبات مدرنیستی و پر هرج و مرج معروف شده است. وی اغلب در طرح هایش از هندسه ی متلاشی شده و نقاط گریز فراوان پرسپکتیوی استفاده می کند تا از این طریق به هرج و مرج و بی نظمی زندگی مدرن اشاره کند. کار زاها حدید مدرنیسم را رد می کند تا بیانی تازه از آن با عنوان «نئو مدرنیسم» را معرفی کند. نئومدرنیسم ، قواعد و قوانین فضایی مرسوم مدرن را مانند سقف ، دیوارها ، پس و پیش ، در نور دیده و آن ها را به گونه ای





تصویر شماره ۹: Canary Wharf، مکان: لندن، انگلستان، سال: ۲۰۰۵، طراح: Universal Design Studio

صفحات شیشه‌ای حکاکی شده مراتبی از حریم خصوصی را همراه با حفظ امتداد فضایی بین محوطه‌ی میانی و فضای اطراف به وجود می‌آورند. تشکر از Universal Design Studio برای این عکس (تصویر شماره ۹).

سؤالات خلاصه مطالب

عناصر و ترکیب‌بندی فضای داخلی

- ۱- عناصر کلیدی مهم برای خلق فضای داخلی چه چیزهایی است؟
- ۲- یک معمار داخلی چگونه از دیوارها، کف و سقف استفاده می‌کند؟
- ۳- چگونه فضای داخلی در هویت و کیفیت سهیم می‌شود؟
- ۴- چگونه خود را داخل فضا درک می‌کنیم؟
- ۵- عناصر خارجی چه نقشی را در فضای داخلی بازی می‌کنند؟
- ۶- چگونه در فضای داخلی حرکت می‌کنیم؟
- ۷- آیا ادواتی مانند درها در ترکیب‌بندی فضای داخلی نقشی دارند؟ اگر دارند، چگونه؟
- ۸- چگونه بین فضای داخلی و خارجی جابجا می‌شویم؟

لوکوربوزیه ادعا کرده است که «پله جدا کننده است و رامپ متصل کننده»؛ و مطمئناً رامپ امکان سیالیت و عبور و مرور ملایم را فراهم می‌کند، در حالی که اصولاً حرکت متناوب (بصری و عملی) راه‌پله‌ها مشکلاتی را در بردارد.

در قانون تبعیض معلولیت‌ها در سال ۱۹۹۵ به رسمیت شناخته شد و برای تمام ساختمان‌های جدید و اغلب طرح‌های مرمتی قابلیت اجرا پیدا کرد و باید به عنوان یک امکان برای خلق یک طرح خوب و همه شمول که در عین دارا بودن تمامی اجزای جامعه‌ی مدرن امروزی برای قابل دسترس و فرح‌بخش باشد به کار رود.

حس داشتن خلوی و حریم خصوصی در اینجا بدون داشتن اتاق مجزا به وجود آمده است.